

توضیحی بر شکوائیه آقای فراستی

امیرفیض حقوقدان

در رابطه بامصاحبه ای که سایت بالاترن از اعلیحضرت عرضه کرده، آقای احمد فراستی که خودشان را ازکامندان سابق ساواک معرفی کرده اند شکوائیه ای حضور اعلیحضرت تقدیم داشته که یک فراز آن نیاز به توضیح واصلح دارد.^۱

فراز مزبور از شکوائیه چنین است:

«مسنول محترم دفترشما درگفتگویی اینگونه توجیه فرمودند که شما بامحکوم کردن سخنان آقای ثابتی تلاش کرده بودید تا شکنجه را از پدر خود دورنمانید.

شاهزاده گرامی کارمندان ساواک روسای خود را انتخاب نمیکردند بلکه پدرشما آنها را منصوب مینمودند، امیدوارم که این اشارت پسندیده باشد»

توضیح بکم

اعلیحضرت در گفتگو های اخیرشان تخفیفی نسبت به اتهامی که قبلا در کتاب انتخاب زمان به پدرشان درباره توجه مسئولیت شکنجه داده بودند قایل شده اند، بامراجعه به کتاب مزبور ونقدی که بر آن گذاشته شده است (به سایت ۱۴۰۰ سال - امیرفیض - نگاه بکنید) تصدیق خواهد شد که تفاوت معنایی ومفهومی دومصاحبه که یکی بصورت کتاب انتخاب زمان درآمده ودومی در سایت بالاترین و تارنما های دیگر ظاهر شده و مورد اعتراض معترض قرار گرفته تا چه حدی ملایم، وکاشف از آن است که اعلیحضرت تاحدودی باحقیقت آشنا شده اند واین خود در موقعیت حصر فکری ومشاورین و همفکران یکدست مخالف شاهنشاه ایران درکنارایشان، یک نعمت است ونویدی است که انتقادات، اعتراض ها بالاخره کار خود را خواهد کرد هرچند نوشدارو بعد از مرگ سهراب است ولی نشانی از لزوم همت وپشتکارمیباشد.

بیان اعلیحضرت در کتابشان راباتاسف دوباره خوانی میکنیم:

«وجود شکنجه نیز اثبات شده وکسی نمیتواند آنرا انکار کند ونهایتا پدرم مسنول آن شناخته میشود» (فصل دوم انتخاب زمان)

درنقدی که به بیان اعلیحضرت نسبت به ساواک وخاصه شاهنشاه ایران در کتاب انتخاب زمان تعلق یافت درپایان آن نقد زیرعنوان داخلی (انصاف) اینچنین آمده است:

انصاف ومروت وعاقبت اندیشی حکم میکند که اعلیحضرت در اولین فرصت، بروجهی که ضمیرمنیر ایشان اقتضا کند از این گفته که از صواب منحرف است عدول و آنرا از رتبه قضاوت، حداقل به مرتبه نظر توأم با احتیاط در آورند.

بنظرمیرسد که انصاف ومروت وعاقبت اندیشی تا حدودی کارساز بوده واعلیحضرت سعی فرموده اند که در مصاحبه های اخیرشان بیاناتشان در کتاب تعدیل گردد واز حکم به صورت نظر درآید.

بصیرت، بما میگوید در این روزها که «از هرسو سنگ فتنه می بارد» این تعدیل وتجدید نظر یک بارزه امیدوارکننده باشد

توضیح دوم

اظهارات معترض، این تداعی رابوجود میآورد که در برخی از ادارات وموسسات دولتی ایران، روسای ادارات توسط کارمندان انتخاب میشده اند وتنها سازمان امنیت بوده که روسای آنها کارمندان انتخاب نمیکردند. (!)

ایشان خواسته است از اعلام خودشان چنین نتیجه گیری کند که چون روسای ساواک راکارمندان انتخاب نمیکنند و شاهنشاه منصوب مینمود! پس اگر خلافتی و یا اتهامی به عمل کارمندان و یا روسای آنها وارد است، توجه اتهام نمیتواند از شاهنشاه ایران به دور باشد.

توضیح اینکه تا قبل از وضع قانون اساسی و قوانین منتبع آن، مسئولیت مامورین حکومتی لوث میگردید و به اعتبار «المأمور معذور» مسئولیتها و آثار اعمال مامورین حکومت برعهده حکومت میرفت و چون حکومت هم موضع خاصی داشت لوث مسئولیت حتمی بود.^۲

اما با تدوین قانون اساسی و قوانین تابعه آن، دیگر جای آن بهانه ها را صراحت قانون پرکرد و امروز هرکس مسئول اعمال خودش است چه در جامعه حقوقی و چه در حقوق اسلامی.

مسئولیت از پنجره قانون، وارد میشود و همان قانون است که پادشاه را از مسئولیت مبرا و دولت و وزرای کشور را مسئول هرگونه موردانسته است.

قانون تشکیل سازمان امنیت و اطلاعات کشور، آن سازمان را وابسته به نخست وزیر و شناخته که رئیس آن سمت معاونت نخست وزیر را دارد که با فرمان شاه منصوب میشود.

وابسته بودن سازمان امنیت به نخست وزیر و بدین معنای حقوقی است که هیئت دولت مسئول سازمان امنیت است، نه شاه. صدور فرمان بنام معاون نخست وزیر که در ضمن رئیس ساواک هم هست به هیچوجه دلیل مشارکت و یا تعلق اعمال ساواک به شاه نیست زیرا که نصب وزرای کشور هم بموجب فرمان پادشاه است ولی با آنکه وزیر فرمان شاه منصوب شده معهذاً مسئول اجرای فرامین و دستخط های شاه، همان وزیر است نه شخص شاه.

در اصل ۴۸ متمم میگوید، انتخاب مامورین رئیسه دوائر دولتی از داخله و خارجه باتصویب وزیرمسئول از حقوق پادشاه است.

یعنی نخست وزیر رئیس سازمان امنیت را که معاون خودش هم هست انتخاب میکند و پادشاه انتخاب او را تصویب و فرمان بنامش صادر میشود لذا، این ادعا که روسای ساواک بوسیله شاهنشاه منصوب میشود اند درست نیست ساواک چندین اداره داشت و بجز رئیس کل ساواک که معاون نخست وزیر بود بقیه مسئولین ساواک، همه از نظر اداری کارمند محسوب میشدند.

واژه «باتصویب وزیرمسئول» در اصل ۴۸ که به اشاره رفت بدین معنی است که وزیرمسئول است و مفهوم مخالف آن این است که پادشاه فاقد مسئولیت است. اصل ۴۵ متمم صراحت دارد که فرمان و یا دستخط پادشاه هم نمیتواند رفع

مسئولیت از وزیر بنماید یعنی اگر حتی پادشاه دستخطی بمنظور آنجا امری که خلاف قانون باشد و یا مورد تائید رئیس

ساواک نباشد رئیس ساواک نمیتواند و نباید آنرا اجرا کند مگر به مسئولیت خودش.^۳

با توضیح بالا این توجه حق است که اگر مامورین ساواک مرتکب خلاف و یا جرم و جنایتی شده باشند در شرائطی حتی، توجه اتهام به مافوق آنها هم وارد نیست تا چه رسد به پادشاه که اساساً فاقد مسئولیت شناخته شده است، همچنین است اگر معاون نخست وزیر که بفرمان پادشاه به ریاست کل ساواک منصوب شده است نیز اگر مرتکب خطا و جرمی شود که مربوط به سازمان امنیت باشد اعمال و اتهام او توجهی به پادشاه ندارد.

^۲ - توجه دارند که اشاره به دوران قاجار است نه دوران پادشاهان پهلوی. ح-ک

^۳ - نکته بسیار ظریف قانون که هرگز مورد توجه قرار نگرفته و به همین دلیل عدم توجه همواره کارمندان و به ویژه بسیاری از مردم عامی و شوربختانه برخی از افسران غیر آشنا به مفاد قانون در همه جا از این امر مهم قصور کرده و با وجود خلاف قانون بودن دستوری آنرا اجرا کرده اند. این نکته سالها پیش به یکی از تیمسارانی که امضایش در زیر «تسلیم نامه» به خمینی موجود است گفته و در آخر نوشته خاطراتش بصورت جداگانه تایپ شده به ایشان تحویل شد. در مقابل اینکه شما که فرمانده لشکر و یا فرماندار نظامی وقت در محل خدمتتان بودید چرا از خلاف کاری های ملایان و حزب توده و مجاهدین که آشوب بپا کرده بودند جلوگیری نکردید ایشان پاسخ می دهد. بما دستور نداده بودند... پرسش اینجاست که به ایشان نوشتیم «پس درجه و قسمی که خورده بودید از قانون و مرز و پرچم حفاظت کنید چی می شود؟» ح-ک